



تجربه جهانی حسابرسی داخلی «ریسک محور»



چالش‌های جهانی شدن اقتصاد ریسک‌های مرتبط با محیط کسب و کار را وارد مراحل پیچیده و دشواری کرده است. در این شرایط، هم‌خوان و هم‌راستا کردن فرآیند حسابرسی داخلی با فعالیت‌های مربوط به مدیریت ریسک، روشی کارآمد در پاسخگویی به چالش‌های مذکور است.

تحقیقات نشان می‌دهد بازار بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در جهان - از جمله مالزی - به تغییرات ایجاد شده در حوزه حسابرسی داخلی پاسخ مثبت داده‌اند. بحران جهانی اقتصاد، هرگز منجر به کاهش فعالیت‌های حسابرسی داخلی در مالزی نشد، چرا که بیشتر شرکت‌های حاضر در بورس مالزی به هیچ عنوان بودجه‌های مربوط به کنترل‌ها و حسابرسی داخلی را کاهش ندادند. به علاوه، تمایل بیشتر این شرکت‌ها در به کارگیری حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک، کاملاً در راستای فعالیت‌های کاهش ریسک آنها بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حسابرسی کنترلی به روش سنتی پاسخگویی نیازهای پیچیده سهامداران عصر حاضر که خواستار اجرای کارا و اثربخش فعالیت‌های حسابرسی داخلی هستند، نیست. بنابراین فعالیت‌های حسابرسی داخلی برای ارزش آفرین بودن و داشتن قابلیت پاسخگویی به تغییرات محیط کسب و کار، باید استراتژیک، پویا و پایدار باشند. هم‌چنین توجه به مقوله‌های ریسک هم به طور خاص و ویژه باید مورد توجه قرار گیرد.

حسابرسی داخلی به عنوان یک فعالیت مشاوره‌ای، مستقل و هدفمند به منظور ارزش آفرینی و ارتقای عملیات سازمان‌ها، به کار گرفته می‌شود. این فعالیت با ارائه یک رویکرد نظام مند و منظم، سازمان را در دستیابی به اهدافش یاری رسانده و موجب ارتقاء اثربخشی، مدیریت ریسک، کنترل و فرایندهای نظارتی می‌شود. حسابرسی داخلی با ارائه راهکارهایی در زمینه ارزیابی و تحلیل داده‌ها و فرایندهای مربوط به کسب و کار شرکت‌ها، نقش تسهیل‌کننده‌ای را در ارتقاء حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک و کنترل‌های مدیریتی ایفا می‌کند.

گستره فعالیت حسابرسی داخلی در یک سازمان بسیار گسترده بوده و مواردی مانند نظارت بر سازمان‌ها، مدیریت ریسک و کنترل‌های مدیریتی را در زمینه‌هایی مانند کارایی و اثربخشی عملیات، اعتبار گزارش‌های مالی و مدیریتی و انطباق آنها با قوانین و مقررات شامل می‌شود. در بسیاری از موارد حسابرس داخلی با همکاری افراد حرفه‌ای برای کشف تقلب‌های بالقوه به ممیزی‌های لازم پرداخته و به شناسایی ضعف‌های کنترلی که منجر به

تاریخچه حسابرسی داخلی در دنیا

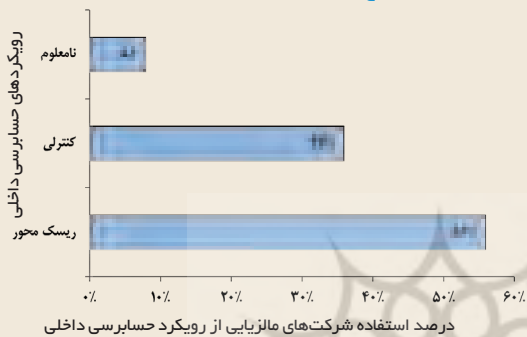
حسابرسی داخلی به عنوان یک حرفه مشخص همزمان با گسترش «علم مدیریت» تکامل یافت. حسابرسی داخلی از نظر مفهومی در بسیاری از جهات با مقوله‌هایی چون حسابرسی مالی، حسابداری عمومی، تضمین کیفیت و فعالیت‌های انطباقی بانکی همخوانی دارد، در حالی که تکنیک‌های حسابرسی که از آنها در حسابرسی داخلی استفاده می‌شود از حرفه مشاوره مدیریتی و حسابداری عمومی منتج شده است. حسابرسی داخلی به عنوان یک حرفه مشخص، توسط «لرنس سایر» (۲۰۰۲-۱۹۱۱) که اغلب از او به عنوان پدر حسابرسی داخلی یاد می‌شود، توسعه داده شد. در حقیقت بسیاری از اصول و تئوری‌های حسابرسی داخلی که توسط موسسه حسابرسی داخلی، تعریف شده است مدیون تلاش‌ها و دیدگاه‌های ارزشمند «سایر» است. با اجرای قانون حسابرسی داخلی در آمریکا در سال ۲۰۰۲ بر اهمیت و ارزش این حرفه افزوده شد؛ چرا که برای انطباق با این قانون، بسیاری از حسابرسان داخلی ملزم به کسب مهارت‌های لازم می‌شدند. اساس فلسفه «سایر» این است که حسابرسی داخلی از طریق ممیزی‌ها، ارزیابی‌ها و تحلیل‌های منطقی کمک‌کننده مدیریت برای دست‌یابی به اهداف سازمانی است. وی معتقد بود حسابرسی داخلی بیشتر به عنوان یک مشاور برای مدیریت عمل می‌کند تا به عنوان یک نیروی متخاصم و منتقد از تمامی مشکلات و نقاط ضعف موجود در سازمان.

تقاضا برای هر دو مقوله حسابرسی داخلی و خارجی از نیاز به ابزاری مستقل برای کاهش خطا، اختلاس و هر نوع کلاهبرداری در سازمان، ناشی می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، با توجه به استانداردها و مسولیت‌های حرفه‌ای، «لورنس سایر و ویکتور برینک» از جمله تاثیرگذارترین افراد در حوزه حسابرسی داخلی به شمار می‌روند. با توجه به «بیانیه مسولیت‌های حسابرس داخلی» که «برینک» نقش مهمی در توسعه آن داشت، این نکته مطرح شد که حسابرسان داخلی که تا پیش از آن اغلب با مسائل مالی و حسابداری سر و کار

را به خود جلب کرده است. بحران‌های مالی جهانی، فعالیت‌های حسابرسی داخلی را با این چالش مواجه کرده است تا به مدیریت اثربخش ریسک‌هایی که سازمان‌ها با آن مواجه هستند، بپردازند.

۵۶ درصد از کل شرکت‌های بررسی شده، حسابرسی ریسک محور را به عنوان رویکرد اصلی حسابرسی خود مد نظر قرار داده اند و این در مقابل ۳۶ درصد شرکتی است که روش سنتی کنترل محور را انتخاب کرده اند. بر اساس یافته‌های دیگر این گزارش، اگرچه شرکت‌های ثبت شده، برای انجام حسابرسی داخلی ریسک محور باید ۶۱ درصد هزینه بیشتری را نسبت به حسابرسی کنترلی می‌پرداختند، با این وجود تمایل بیشتری به استفاده از این نوع روش حسابرسی داشتند.

استفاده از انواع روش‌های کنترل داخلی در شرکت‌های بورسی مالزی



بر اساس نتایج این گزارش، یک ممیزی داخلی ریسک محور با شرایطی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، مطلوب و اثربخش خواهد بود:

- مدیران، ریسک‌هایی را که اهداف سازمان را تهدید می‌کند، شناسایی و مورد ارزیابی قرار داده و با برقراری یک کنترل داخلی، نسبت به از بین بردن زمینه‌های تهدید اقدام می‌کنند. هر گونه وضعیت غیر قابل کنترل به هیات مدیره گزارش دهی می‌شود.

- ریسک‌های ذاتی به گونه ای که امکان نظام دهی برای آنها وجود داشته باشد به ثبت رسیده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

- هیات مدیره سازمان، نسبت به تصویب یک شاخص که امکان رتبه بندی ریسک‌ها را فراهم کند، اقدام کرده و با این کار، رتبه بندی ریسک‌های ذاتی تسهیل می‌شود.

- حدود مسئولیت برای اطمینان بخشی درباره چارچوب مدیریتی ریسک، شناسایی می‌شود. تعیین و تعریف مسئولیت‌های مدیریت، ممیزی خارجی و هر گونه اقدام اطمینان بخش دیگر، می‌تواند به این موضوع کمک کند.

داشتند، باید مسایل عملیاتی سازمان‌ها را نیز مد نظر قرار دهند. در نتیجه، حوزه فعالیت‌های حسابرسان داخلی بسیار گسترش یافت و مباحثی مانند ارزیابی کیفیت و کارایی عملیاتی نیز بدان اضافه شد. در نهایت در دهه ۱۹۹۰ حسابرسی داخلی به مقوله‌ای گسترده تبدیل شد که ممیزی‌های ۴گانه شامل ممیزی «مالی»، «مدیریتی»، «عملیاتی» و «انطباق با استانداردها»، از ارکان اصلی آن به حساب می‌آمد. در راستای اجرای بسیاری از این فعالیت‌ها، حسابرسان داخلی رویکرد ریسک محور را برگزیدند و به استفاده گسترده از فناوری‌های پیشرفته در انجام امور حسابرسی پرداختند. سازمان‌های جدید امروزی، اغلب سازمان‌های دانش بنیان هستند که درگیر عملیات گسترده و پیچیده در صنایع مختلف و در سطح جهانی‌اند. توسعه انواع جدید سازمان‌ها در عصر اطلاعات و ظهور سازمان‌های مجازی، اهداف و نحوه فعالیت سازمان‌ها و به تبع، نحوه اعمال کنترل بر آنها را دستخوش تغییر کرده است. چشم انداز کنترلی سازمان‌های جدید با سازمان‌های سنتی گذشته، کاملاً متفاوت است. با توجه به تغییرات شگرف در محیط کسب‌وکار، حسابرسی داخلی به عنوان یک عنصر حمایت کننده از فعالیت‌های مدیریتی و حسابرسی شرکت‌ها و سهامداران آن به شمار می‌رود.

با توجه به ماهیت جدید محیط‌های کسب و کار که سازمان‌ها را در معرض ریسک‌های متفاوت قرار می‌دهد، مدیریت ریسک به مقوله ای بسیار حائز اهمیت برای سازمان‌ها تبدیل شده است. در حقیقت تمام رویکردهای جدید مربوط به رشد و ارزش آفرینی برای شرکت‌ها، پدیده ریسک را کاملاً و به نحو اثربخش مد نظر قرار می‌دهند. بنابراین حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک به عنوان یک مضمی مهم در حسابرسی داخلی مطرح است که بسیاری از کشورهای جهان از آن استفاده می‌کنند. بر اساس تعریف موسسه حسابرسان داخلی، حسابرسی داخلی ریسک محور عبارت است از «یک روش و مضمی که حسابرسی داخلی را به مدیریت ریسک کلی یک سازمان مرتبط کرده و به هیات مدیره سازمان این اطمینان را می‌دهد که فرایند ریسک در سازمان به درستی مدیریت شده است.»

حسابرسی ریسک محور در مالزی

بر اساس گزارش‌های سالیانه از ۱۰۸۴ شرکت ثبت شده در بورس مالزی، رویکردهای اساسی حسابرسی داخلی که توسط این شرکت‌ها به کار گرفته می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج این گزارش حاکی از آن است که در حالی که حسابرسی داخلی کنترل محور، همچنان به عنوان یک رویه معمول حسابرسی در شرکت‌ها به شمار می‌رود، با توجه به افزایش انواع و اهمیت ریسک‌های شرکتی، حسابرسی داخلی ریسک محور به عنوان یک رویکرد جدید توجه بسیاری از شرکت‌ها

جدول مقایسه ای حسابرسی داخلی «ریسک محور» و حسابرسی داخلی «کنترلی سنتی»

حسابرسی داخلی سنتی	حسابرسی داخلی ریسک‌محور
برنامه حسابرسی بر اساس مدت زمان انجام می‌شود.	برنامه حسابرسی بر اساس نتایج به دست آمده از ارزیابی ریسک واحدهای تجاری انجام می‌شود.
ریسک‌های مهم ممکن است در برنامه ممیزی مورد پوشش قرار نگیرند.	نسبت به مدیریت مطلوب ریسک‌های مهم اطمینان کامل حاصل می‌شود.
تمرکز بر روی ناکارآمدی‌های موجود در ابزارهای کنترلی است.	تمرکز بر ریسک‌هایی است که به طور مناسب و موثر مورد کنترل واقع نمی‌شوند.
مفهوم برداشت شده از عملیات واحد تجاری زمان‌بر بوده و ممکن است متکی بر اطلاعات روز نباشد.	مفهوم عمیقی از عملیات واحد تجاری بر اساس کارگاه‌های ارزیابی ریسک وجود دارد.
منابع حسابرسی داخلی روی تمام حوزه‌های فعالیتی واحدهای تجاری، پخش می‌شود.	استفاده بهینه از منابع حسابرسی داخلی با تمرکز بر واحدها و حوزه‌های ریسکی مورد توجه است.
عدم توافق با مدیریت واحد تجاری بر روی برنامه عملیاتی که منجر به تاخیر در اجرا می‌شود.	اجماع و اتفاق نظر با مدیریت خط محصول روی برنامه عملیاتی مورد نیاز که موجب اجرای موثر و به هنگام اقدامات اصلاحی می‌شود.